**نخستین همایش ملی فرهنگ باتاکید جنبه های فرهنگی واجتماعی کرونا**

**گردآورنده: رضاحق طلب**

**کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه شهیدرجایی**

**rezahaghtalab1400@gmail.com**

**چکیده**

این مقاله تحلیلی فرهنگی از پیامدها و تأثیرات فرهنگی بحران ویروس کرونا در ایران است. در ماه‌هایی که بحران ویروس کرونا شکل گرفته است این پرسش در کانون توجه جامعه و اندیشمندان ایران بوده است که این بحران چه دلالت‌هایی برای شیوهٔ زندگی و فرهنگ در ایران دارد؟ نگارنده در پی ارزیابی این پرسش است. در قسمت مقدمهٔ مقاله هدف و چگونگی و پرسش‌های اصلی مقاله را توضیح داده می‌شود. در قسمت دوم مقاله به تحیلی از مسئله‌مندی فرهنگ در ایران امروز پرداخته می‌شود و این‌که چگونه ذهنیت جمعی مردم ایران متأثر از بحران ویروس کرونا هوشیار و حساس و شده و  به پرسشگری از امور بدیهی و طبیعی فرهنگ می‌پردازد. سپس سه دیدگاه دربارهٔ نحوهٔ صورت‌بندی‌کردن این پرسشگری ارائه می‌شود: 1) گفتمان تداوم؛ 2) گفتمان گسست؛ و 3) گفتمان بازاندیشی انتقادی. در قسمت سوم مقاله این گفتمان‌ها شرح داده می‌شود. رویکرد نگارنده به موقعیت کرونایی همسو با گفتمان بازاندیشی است. از این‌رو بخش مهم مقاله را به ویژگی‌ها و ابعاد این بازاندیشی انتقادی اختصاص داده شده است. نگارنده استدلال می‌کند که انفجار اطلاعات و دانش، آشنایی‌زدایی، بازاندیشی در نظام اولویت‌ها، دیجیتالی‌شدن مضاعف، افزایش توانش تطبیقی، افزایش تقاضای اجتماعی برای دانش، و در نهایت افزایش سوژگی و عاملیت، مجموعه عواملی هستند که گفتمان بازاندیشی را شکل می‌دهند. روش نگارنده در این مقاله تحلیل دیدگاه‌های شکل گرفته دربارهٔ پیامدهای فرهنگی بحران کرونا در ایران است. در‌عین‌حال، از تجربه‌های زیسته و درک‌های شهودی‌ام نیز کمک گرفته‌ام. تجزیه‌وتحلیل نظری مفاهیم و دیدگاه‌ها یکی از راهبردها برای فهم روایت‌های شکل‌گرفته از پیامدهای بحران کروناست.

بی‌شک یکی از رسالت‌های صاحبان نظر و قلم در روزگاری چون عصر حاضر و زمانه‌ای که تحت‌الشعاع یک بیماری همه‌گیر تمام جنبه‌های زندگی آدم‌ها در کلیت پهنه‌های جهان دگرگون‌شده و ابهام و بیم از فردا در تمام لحظه‌های امروز موج می‌زند، تعریف موقعیت، تحلیل وضع موجود و تبیین‌های برای گام‌های بعدی است.

درواقع رسالت اندیشمندان در این روزها برافروختن چراغی برای بشر به ‌منظور روشن ساختن مسیر است؛ رسالتی که البته برخی به آن جامعه عمل پوشانیده‌اند و با برداشتن گام‌هایی در میانه این بلاتکلیفی و روزمرگی‌های خاکستری شده از سایه یک بیماری، تلاش دارند تا آگاهی‌بخش و روشنگر اذهان باشند.

کلمات کلیدی: کرونا، ویروس ، پیشگیری ، بهداشت

مقدمه:

سرانجام کرونا از راه رسید؛ ویروسی که اگر آن را با هر اپیدمی بزرگ دیگری در تاریخ بشر مقایسه کنیم، ابعادی هولناک آن‌قدرها که ممکن است نداشته است؛ به‌گونه‌ای که اگر در تنش‌های قومی و منطقه‌ای و جنگ‌های استعماری و نواستعماری در چند سال اخیر، میلیون‌ها نفر کشته و چند ده میلیون آواره شده باشند، ابعاد فاجعه‌بار کرونا بسیار کمتر است اما کرونا استثنایی بود، دقیقاً به دلایل تغییر گسترده‌ای که در ژئوپلیتیک جهان ایجاد کرد و به خاطر عقب‌گرد دموکراتیکی که امروز شاهدش هستیم... این‌ها دیگر خیال‌پردازی‌هایی نبودند که بسیاری از داستان نویسان و فیلم‌سازان قرن بیستم بر کاغذ یا پرده سینما برده باشند بلکه واقعیاتی بودند که همه‌چیز را از کار انداختند؛ قطارها، هواپیماها، اتومبیل‌ها متوقف شدند و مردم همگی مجبور به حبس در خانه‌هایشان شدند و حتی مجبورند تا روزی که درمانی واقعی پیدا نشود از یکدیگر فاصله بگیرند و مهم‌ترین عامل هویتی میلیون ساله خویش یعنی چهره‌هایشان را نیز پشت پرده‌ای (ماسک) بپوشانند .

کرونا ویروس ها خانواده بزرگی از ویروس ها هستند که بیماری های مختلفی را از سرماخوردگی معمولی گرفته تا سندرم حاد و شدید تنفسی، ایجاد می کند. این بیماری به نام سندرم نارسایی تنفسی خاورمیانه MERS شناخته شده است. پژوهش ها حاکی از آن است که در انتقال ویروس پیشگیری و آموزش به افراد مواجهه با خطر و ارتقاء رفتارهای خودمراقبتی منجر به کاهش سرعت سرایت بیماری در جوامع شده و شناسایی منابع انتقال بیماری می تواند در کنترل آن موثر باشد. بحث و نتیجه گیری: کرونا ویروس یک بیماری چالش برانگیز است که به راحتی در مکان های عمومی قابل سرایت می باشد. بنابراین آمادگی افراد جهت مواجهه با این بیماری مسری و مقابله و کنترل بیماری شدید ناشی از کرونا ویروس در مکان هایی که موارد مشکوک یا قطعی بیماری وجود دارد بسیار ارزشمند خواهد بود. ویروس‌های کرونا گروه بزرگی از ویروس‌ها هستند که می‌توانند حیوانات و انسان‌ها را آلوده کنند و باعث بروز ناراحتی‌های تنفسی شوند؛ این ناراحتی‌ها ممکن است به اندازه سرماخوردگی خفیف یا به اندازه ذات الریه شدید باشند.

در این مقاله به بیان نکات کلی و جزئی از خودخواهی‌ها و زیاده‌روی‌های بشر می‌پردازد و بر مخاطرات زندگی بشر که امروز جهان را به این نقطه رسانده است، دست می‌گذارد و در یک‌کلام نهایی راه‌حل برون‌رفت از این وضع را بازنگری در شیوه‌های اداره محلی جهان و رسیدن به فهم اداره‌ای سیاره‌ای فارغ از ملاحظات و منافع منطقه‌ای و جغرافیایی می‌داند.

در خلال کلمات و توضیحات، نویسنده در مقاله روزگار کرونا می‌کوشد از راه‌کارهای کوچکی چون جور دیگر شستن دست‌ها (که البته آن را هم مهم می‌داند) گذر کرده و مخاطب را به جور دیگر شستن چشم‌ها و تغییر شیوه و سبک زندگی سوق دهد؛ موضوعی که مصادیق متعددی از شیوه‌های کلان و مصادیق سیاست بین‌الملل را هم برای آن ارائه می‌کند.

نویسنده در جای‌جای این مقاله بر این نکته صحه می‌گذارد که کرونا نه اولین ویروس مرگبار یا خطرناک بشری است (که البته تأکید می‌کند این ویروس در مقایسه با وقایعی تاریخی چون آنفولانزای اسپانیایی یا جنگ‌ها و ... اساساً مرگبار نیست) و نه آخرین آن خواهد بود؛ و با نگاهی به زیاده‌خواهی‌های بشر و مخاطراتی که او با دست خودش برای خود ساخته است (همانند بیشمار نیروگاه‌های اتمی که هرکدام خطری به‌مراتب ترسناک‌تر و ویرانگرتر هستند هشدار می‌دهد باید در آینده دور یا نزدیک انتظار روزهای تلخ‌تر از کرونا را داشت مگر این‌که گردانندگان گردونه‌های سیاسی و جغرافیایی شکل دیگری از رویکرد در برابر زندگی را در پیش بگیرند.

همچنان که درجایی می‌گوید: اما چهره زشت کرونا آیینه‌ای بیش نبود و نیست که در برابر بدکرداری‌های گسترده انسان‌ها گرفته‌شده است و معلوم نیست چه زمانی به پایان برسد.

و درنهایت این مقاله با عنوان «تأملات کرونایی» با تیترهای: دولت کوچک کرونای بزرگ، کرونا: روایت آخرالزمانی، نگاهی اجمالی به ژئوپلیتیک کرونا، فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از جامعه شکار و گردآوری تا کشاورزی، فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از روستانشینی تا شهرنشینی، فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از شهر صنعتی تا شهر اطلاعاتی، فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از شهر اطلاعاتی تا شهر هوش مصنوعی، فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: شهر هوش مصنوعی، آخرین بومیان جهان و سخن آخر: صورتهای بی چهره، دست‌های بی پوست، نگاشته شده است.

**آیابعدازبحران کرونادوباره به گذشته بازمی‌گردیم؟**

یکی از پرسش‌های کلیدی که **نویسنده** در این مقاله به آن پاسخ می‌دهد تغییر رفتارها پس از اتمام دوران کروناست؛ موضوعی که به‌ویژه در این روزها زیاد درباره آن صحبت می‌شود و دیدگاه‌های متفاوتی هم نسبت به آن وجود دارد. **نویسنده** در پاسخ به این پرسش که آیا ما دوباره به همان آدم‌های قبلی که بوده‌ایم تبدیل می‌شویم، پاسخ می‌دهد:

اگر مبنا بگذارید به تجربه‌های قبلی که در همین پنجاه سال اخیر داشته‌ایم، متأسفانه نظر من این است که بله دوباره به قبل برمی‌گردیم... خیلی‌ها این اسطوره را مطرح می‌کنند که «کرونا جهان را تغییر می‌دهد» من اعتقادی به این موضوع ندارم بلکه معتقدم جهان به‌سرعت بازسازی می‌شود و به همان شکلی که بوده برمی‌گردد، مگر مسئله به‌قدری استمرار یابد که ابعاد فاجعه انگیزی داشته باشد. به نظر من چنین حالتی رخ نمی‌دهد ولی اگر هم رخ بدهد وضعیت را تغییر نخواهد داد. مثالی می‌زنم که همه ایرانی‌ها با آن آشنا هستند، بلایای طبیعی ازقبیل زلزله‌هایی که در ایران رخ‌داده را در نظر بگیرید. زلزله کرمانشاه وزلزله بم شوک عظیمی بود. در آن موقع چهل یا پنجاه‌هزار نفر مردند. این نه‌فقط یک شوک بلکه شوکی فرهنگی به شمار می‌رفت. قدیمی‌ترین ساخت فرهنگی ما یعنی ارگ بم خرد شد و دیگر چیز زیادی از آن نمانده است. حالا بیست سال بعد برگردید به بم و ببینید چه اتفاقی افتاده، خرابه‌ها هنوز سرجایشان هستند. آیا این زلزله باعث شد که در سایر نقاط ایران فکر اساسی برای آمادگی در مواقع زلزله کنیم؟

اگرچه در کلیت مقاله نگاه تلخ (همانگونه که نویسنده اقرار می‌دارد) یک آسیب شناس بدبین نهفته است؛ می‌توان اشارتی تکرار شونده از راه‌های سخت اما ممکن بازگشت به یک زندگی امن در جهانی صلح‌خواه را متصور شد. چنانچه **نویسنده**  در سطور پایانی می‌نویسد:

جهانی که امروز کرونا در برابر ما قرار داده، با نمادشناسی آدم‌هایی که نمی‌توانند به یکدیگر نزدیک شوند، همراه است. آن‌ها نمی‌توانند یکدیگر را در آغوش بگیرند، ببویند، ببوسند، دلداری دهند و غم‌خوار هم باشند. جهانی که کرونا در برابر ما قرار داده و در آن نمی‌توان حتی چهره‌های یکدیگر را از پشت صورت‌هایی هرچه ضخیم‌تر ببینیم. چنین جهانی نه‌تنها ممکن و کاربردی نیست بلکه یک ویران شهر حقیقی به‌حساب می‌آید که این بار شاید معنایی جز پایان انسان نداشته باشد اما باید بدانیم اگر از تمثیل جهانی آکنده از انسان‌هایی بدون دست پوست و چهره به‌حق وحشت داریم باید تن به عشق، اخلاق و هنر بدهیم که در پدیده‌هایی انسانی نمودارند. جهانی که خود را بیش و پیش از هرکجا در کالبدهای کودکانه و زنانه تعریف و بیان می‌کند؛ جهانی که در رویکردهای کلاسیک در آنچه روزگاری انسانیت نامیده می‌شد قابل‌مشاهده بود. روشنایی دور نیست. تنها باید جسارت نزدیک شدن به آن را داشته باشیم .

در رابطه با مسئله‌­ی کرونا جدای از جنبه­‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی که در جای خود مهم است، یکی از مهمترین ایده­‌های نظری که این روزها طنین آن بیشتر از قبل شنیده می­شود و صرفاً از جانب منتقدین مدرنیته، سنت‌گرایان یا اهالی الهیات و متألهین نیست بلکه  بسط و عمومیت بیشتری یافته، اذعان بر مسئله­‌ی عجز و ناتوانی انسان در مقابل عظمت هستی و در معنای محدود این دنیایی آن در برابر طبیعت است. حتی اندیشمندان که خود را وارث سنت روشنگری می­داند در خصوص این اپیدمی جهانی بر همین نکته دست گذاشته و ناتوانی و جهل بشر را متذکر می‌­شود.

آنچه که ماهیت رویداد اخیر را با رنج و مشکلاتی که در گذشته­ بشر با آن روبرو بوده متفاوت می­‌سازد، فراگیر و فراتر بودن از تجربه­‌های فردی و محلی انسان است.  مسئله عجز همیشه در تاریخ بشر بوده است و هر انسانی به صورت وجودی و درونی در موقعیت­‌های گوناگون رنج ، ناکامی، مرگ عزیزان و غیره را تجربه کرده است، اما امروز این عجز و ناتوانی به طور همزمان و فراگیر خود را بر آحاد بشر تحمیل کرده است. کل پروژه­‌ی مدرنیته به یک معنا تلاشی بود برای محافظت انسان در برابر این بلایا. آن چیزی که مسئله­‌ی کرونا را خاص می­کند، از یک سو جهان­شمول بودن و از سوی دیگر نسبت آن با کلیت مدرنیته و تمدن جدید غرب است. بعد از گذشت حدود چند سال از داعیه­‌های نجات­بخشی علم و تاکید بر قدرت و سلطه­‌ی انسان بر جهان به واسطه­‌ی علم،  شاهدیم که کرونا یک دهن­کجی به همه­‌ی این داعیه­‌ها و دعاوی کرده و بار دیگر عجز و محدودیت وجودی انسان در برابر هستی را به او متذکر می­شود. همان فقر وجودی انسان که در سنت عرفان و حکمت اسلامی خصوصاً حکمت صدرایی اشاره شده است.

مسئله اینگونه نیست که با پیشرفت علم و تکنولوژی  مصائب انسان حل و فصل شود. انسانی که تا حد زیادی رخدادهای طبیعی را در جهت مقاصد، مطامع و منافع خود به تصرف در آورده است، به یک­باره متأثر از ویروس کرونا، آگاه میشود که مسألۀ ناتوانی و انقیادناپذیری هستی نسبت به انسان نهایتاً لاینحل است. این چیزی نیست که با دانش بیشتر یا توسعه بیشتر یا امثال آنها حل و فصل شود. بلکه مسأله­ای هستی­شناختی است. وضع انسان در نسبت با هستی است.  البته تذکر به این به عجز و فقر به معنای نفی علل و اسباب، قدری­گری و انفعال وجودی نیست، بلکه نگرشی است که کل این اسباب را فاقد اصالت می داند و با  نگاه توحیدی آن را فاقد موضوعیت می­داند.

نقش فرهنگ وهنر درمواجهه با کرونا

فقر وجودی انسان در مواجهه با بحران کنونی اتفاق مهمی است که حتّی بشر مدرن، سخنگویان مدرنیته و روشنفکران هم به آن اشاره می­کنند. ­این نقطه‌ای است که بحث فرهنگ و هنر هم می­‌تواند به میان بیاید. تجربه­‌ی وجودی و لحظه یا آن خاصی از خلال این اپیدمی و پاندمی جهانی پیدا شده است. فرهنگ و هنر می­تواند به این تجربه­‌ی جهانی عمق ببخشد وآن را از ساحت ناخوداگاه به ساحت خوداگاه بیاورد. به خصوص هنری که خود را در نسبت با مسئله­‌ی امر قدسی و حقیقت توحید فهم و معنا می­کند و از آن به هنر دینی تعبیر می­‌شود. کارکرد و کارویژه­‌ی فرهنگ و هنر این است که این لحظه و آنِ خاص را به طور دائم، حتّی زمانی که ما از این تجربه عبور کردیم، متذکر شود و موقعیت بنیادین وجودی ما را در نسبت با آن تعریف کند.

ذهنیت طرح شده از سوی برخی جامعه­‌شناسان و روان‌شناسان در دوران مدرن ، باور و عقیده‌ی دینی را محصول موقعیت­‌های ترس می­داند که به واسطه­‌ی یک امر متعالی تلاش می­کند تا بر هراس خود چیره شود. اندیشه دینی باید این توضیح و معادله را به صورت واژگونه بازسازی کند. مبنای این توضیح نگاه مبتنی بر توحید و فقر کل ماسوا نسبت به مبدأ و منشأ هستی است. در واقع شرایط رنج و ابتلا به شدائد موقعیتی است تا حقیقت محجوب امکان پدیداری پیدا کند. باور به امر متعالی، امری فطری است که به هنگام حوادث، مورد توجه انسان واقع می­شود. احوال و غفلت روزمره یک نوع حجاب است و موقعیت­‌های خاص ما را نسبت به وضع حقیقی خود در هستی آگاه می­کن.

این پژوهشگر حوزه­‌ی فرهنگ بیان کرد: پدیده­‌ی کرونا با همه­‌ی مهیب بودن روزی به پایان خواهد رسید و بعید است که پایان تاریخ باشد. عقیده ندارم که این تجرب‌ه­ی خاص جهانی، حصار و قلعه­‌های امنی را که تمدن‌­ها، گروه­‌ها، هویت‌های فرهنگی، اجتماعی و صنفی برای خود ایجاد کرده‌­اند، را از بین ببرد و ذوب کند، به خصوص با شناختی که از اصحاب علوم انسانی داخلی داریم. به عنوان یک مطایبۀ کاملاً جدی باید امیدوار باشیم که در غرب حرکتی صورت گیرد، شاید از تبعات و نتایج آن در اینجا بهره ببریم، چون تا وقتی از مرکز پیام نیاید اصحاب پیرامون کاری از پیش نخواهند برد. می­توان امید داشت تا اصحاب اندیشه و هنر از این تجربه­‌ی جمعی جهانی کوله‌بار خود را پرکرده باشند برای منشا خلاقیت و  آفرینش­های هنری برجسته در جهت نگاهی که سلسله مراتبی در حوزه ابعاد ذهنی فرهنگ داریم که باورها بنیادی‌ترین مرتبه است. اصول و ارزش‌ها بر اساس باورها و هنجارها بر پایه اصول و ارزش‌ها ساخته می‌شود. این سلسله مراتب در سطوح اجتماعی و بین نسلی و در رابطه با پدیده‌های اجتماعی عمل می‌کند. در مورد این ادعای شماکه چرا برخی از مفاهیم مثل دگردوستی در حال کمرنگ‌شدن هستند، برای من به این پرسش مربوط است که آیا ربطی به سازوکارهای اجتماعی ما دارد؟ باید به آن فکر کرد، اما حتماً نقص‌هایی وجود دارد. مثلاً پدرم، معلمم و یا رسانه‌ها مرتب به من می‌گویند که باید قانون را رعایت کنم، این فرایند اجتماعی‌شدن یا فرهنگ‌پذیری است، یعنی باوری را از نسل قبل از خودم و یا از مراجعی که الگوی من هستند، می‌پذیرم و درونی می‌کنم، اما در جامعه متوجه می‌شوم کسی که قانون را رعایت نمی‌کند، منتفع می‌شود و هیچ ضرری نمی‌بیند، ولی من متضرر می‌شوم،. بنابراین میان آنچه درونی کرده‌ام با آنچه نهادینه می‌بینم شکاف می‌افتد. اگر این دو با هم منافات داشته باشد، من به نفع یکی کنار می‌روم یا باید به سمت چیزی بروم که در جامعه در حال رخ دادن است یا اینکه از جامعه کنار بکشم. عمدتاً اولی رخ می‌دهد. آنچه به تقویت ابعاد ذهنی فرهنگ کمک می‌کند، این است که آنچه من به عنوان اخلاق عمومی درونی کرده‌ام با آنچه در جامعه از سوی اکثریت در حال رخ دادن است، هماهنگ باشد. یعنی من این را به عنوان یک اصل بپذیرم که رعایت قانون امری اخلاقی است و از طرف دیگر، متوجه شوم که هر کس قانون را رعایت کند، پاداش می‌گیرد، آن وقت این دو بر هم منطبق شده و التزام به قانون تقویت می‌شودطرح شد.

**جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی وسبک زندگی ایرانیان در بحران ویروس کرونا**

بر اساس بررسی‌های اقتصادی که تاکنون و در زمان اپیدمی صورت گرفته است نشان می‌دهد که شیوع ویروس کرونا بخش‌های اقتصادی از جمله زیر گردشگری، بازرگانی خارجی، بازار سرمایه، بازار ارز، بازار مسکن، کسب و کارهای خُرد، کسب و کارهای عمومی، قیمت کالاها، تولید ناخالص داخلی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. با توجه به ضرر و زیان‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا در اقتصاد ایران، در صورتی که در مورد جبران زیان‌های اقتصادی فوراً چاره اندیشیده نشود و راهکاری به طور عملی در پیش گرفته نشود آسیب‌های وارده تصاعدی خواهد شد و بسیاری از فعالان اقتصادی با چالش زیادی رو‌به‌رو خواهند شد که حتی ممکن است از چرخه اقتصادی حذف شوند

با توجه به این مهم، تهیه‌ی آمارهایی متناسب با این شرایط اهمیت بسیاری می‌یابد، زیرا نتایج استخراج شده از آن ابزارهای مفیدی درباره‌ی واکنش‌های اقتصادی افراد و کسب و کارهای کشور در اختیار دولت قرار می‌دهد. بر این اساس، در راستای عملکرد جهانی سازمان‌های آماری و همچنین دستور رئیس محترم مرکز آمار پرسش‌نامه‌ای به‌صورت نظرسنجی برای ارزیابی اثرات شیوع ویروس کرونا بر روی کسب و کارهای ایرانی تهیه شد و مسئولیت اجرای این نظرسنجی به پژوهشکده‌ی آمار به‌عنوان بازوی علمی و پژوهشی نظام آماری کشور سپرده شد. به علاوه اطلاعاتی که از این نظرسنجی ارائه می‌شود با تقویت آگاهی و واکنش صحیح نسبت به اثرات کرونا ویروس بر اقتصاد ایران، به دولت و جوامع دنیا کمک شایانی خواهد نمود تا تصمیمات آگاهانه‌ای را بر اساس واکنش ایران به این بیماری همه‌گیر اتخاذ کنند.

این سوال برای پژوهشگرپیش میآیدکه آیا در حوزه­‌ی فرهنگ عمومی و سیاست نگاهی که ما از قبل به غرب داشتیم تغیری کرده یا نه؟ گفت: از حیث فردی و روانشناسی با توجه به برداشت شهودی که من از اطراف خود دارم، به نظر می­رسد در بطن این تجربه ما با گرایشاتی نسبت به جنبه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی روبرو هستیم.  نمودهایی همچون یاد مرگ و بی اعتباری دنیا و اهمیت و اصالت یافتن مسائل اخلاقی، عاطفی و خانوادگی نسبت به دغدغه­‌های قدرت و ثروت. اما از حیث جمعی برای جامعۀ ما ماجرای اخیر کرونا جدا از زاویه‌­ای که تا الان گفتگو کردیم، حاوی تکانه مهمی از حیث مباحث هویتی بود. تجربه­‌ی جهانی اخیر، شاید بتواند نقطه عطفی در مناسبات هویتی ما و غرب باشد. روشنفکرانی که هویت خود را در سایه­ی  تفکرات غربگرایانه تعریف کرده­‌اند و قلعه­‌ی محکمی از آن ساخته اند، دچار ضربه و خلل­‌های جدی خواهند شد. شیوع کرونا و خانه نشینی بسیاری از اعضای خانواده ها بنا به گفته کارشناسان اجتماعی با پیامدهای اقتصادی و مشکلاتی در عرصه زندگی خانوادگی همراه شد، موضوعی که بارها مورد اشاره مردم و کارشناسان قرار گرفته است.

خانه نشینی یا دور هم بودن در شرایطی می تواند مطلوب و رضایتبخش سپری شود که اعضای خانواده کمترین دغدغه به لحاظ معیشتی یا تامین نیازهای زندگی داشته باشند و اگر مانعی سبب اختلال در زندگی خانوادگی شود به طور قطع دامنه آن به اختلافات هم کشیده می شود و ناخودآگاه ذهن پدر، مادر و فرزندان خانواده را به خود مشغول می کند.

دراین میان پیش کشیدن برخی مباحث حاشیه ای به گفت وگوهای خانوادگی شاید سرآغازی برای کشمکش و دعواها باشد آن هم در شرایطی که اعضای خانواده به واسطه محیط پیرامونی آلوده به کرونا باید کمتر سفرهای دور و نزدیک داشته باشند یا دورهمشینی فامیل به حداقل خود برسد.

از سوی دیگر دامنه آسیب های اجتماعی کرونا به حدی فراوان است که فقط به کشمکش های خانوادگی ختم نمی شود بلکه کل زندگی جوامع بشری را تحت تاثیر منفی خود قرار داده است.

بنابراین باید دقت نظر داشت  رسیدگی به موضوع ویروس خطرناک کرونا، ما را نباید از توجه به ویروس بزرگ‌تر و خطرناک‌تر و درعین حال غیر قابل رویت آسیب‌های اجتماعی همچون فقر، بیکاری،  اختلافات خانوادگی، خشونت خانگی، اضطراب، افسردگی غافل کند.

 این روزها ویروس کرونا چنان بر همه‌جای دنیا سایه افکنده که دغدغه‌های دیگر تا حدی کمرنگ شده و برخی معضلات، چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی به حاشیه رانده‌شده است.

در طول دو سه دهه اخیر با جریانی روبرو هستیم ­که هم جنبه‌ی رسانه­ ای دارد که رسانه­‌های داخلی و خارجی به آن پرداخته­‌اند و هم جنبه نظری و شبه نظری که در بسیاری از اظهارات روشنفکران غربگرا در فضای سیاسی و اجتماعی ایران می­بینیم، حتّی در قالب لطیفه وارد مناسبات بین فردی جامعه­‌ی ما هم شده که من نام آن را «ایده مثتثنی» مینامم. ایده‌­ای که معتقد است یک سری ویژگی­‌های خاص که عموما  بد، منفی و استثناء هستند در مردم ایران وجود دارد که آن­ها را از جامعه­‌ی متمدن، عقلانی و نظم یافته غرب متمایز می­کند. یک رابطه­‌ی دو قطبی که در یک سو همه­‌ی رذائل و ضعف­‌ها و از سوی دیگر آن همه­‌ی کمالات و مطلوبات قرار دارد، با تاکید بر اینکه همه­‌ی مشکلات و مسائلی که با آن مواجه هستیم اسثنائی و مخصوص جامعه­‌ی ایران است. این جریان به صورت سازمان­یافته تبدیل به بخشی از ذهنیت یک جمع مهم و قابل ملاحظه­ از مردم ایران شده، طبقه­‌ی متوسط  شهری که به نوعی گرایشات نوخواهی، احساس خودباختگی و تحقیر هویت ملی در بین آن­ها وجود دارد.

بحران کرونا و مجموع اتفاقاتی که در نظام سلامت و بهداشت کشورهای توسعه یافته افتاد، تصمیمات به سرعت تغییر یابنده، حالت پریشانی و بلاتکلیفی و تبعات آن در صحنه­‌ی اجتماعی و فرهنگی این جوامع، تصویر واقعی غرب را نمایان کرد. گرچه روشنفکران غربگرای ایرانی این فرصت را به خود در جهت بازنگری در ایده­‌های قبلی نخواهند داد و کماکان در حال احیای گفتمان گذشته از یک زاویه­‌ی جدید هستند. فقط تعداد محدودی اذعان می­دارند که بر خلاف تلقی قبل جامعه­‌ی ایران پوچ و فاقد سرما­یه­‌ی اجتماعی نیست و می­تواند در مقابل چنین مسائلی تاب­آوری داشته باشد.

**جامعه ما در شرایط بحران چه نوع واکنش‌هایی از خود به نمایش می‌گذارد و اصولاً در شرایطی بحرانی چه رویکردی را در پیش می‌گیرد؟**

به شکل تاریخی اولین بحران‌های بشری، عمدتاً ناشی از یک هجوم یا مواجهه زیستی با طبیعت بوده است و هر چه جلوتر می‌آییم، اشکال فرهنگی‌تر بحران پدیدار می‌شود. منظورم این است که علاوه بر طبیعت، دستکاری‌های انسانی هم بحران‌زا می‌شود. وقتی به داستان کرونا در ایران و در دنیا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این بحران یک پایه زیستی دارد، یعنی ویروسی در کار است که حمله کرده و بحران ایجاد می‌کند، اما گمانه‌هایی درباره دخالت انسانی وجود دارد. شائبه‌هایی در خصوص اینکه این ویروس در جریان یک پروژه تحقیقاتی، آزمایشگاهی ساخته شده و حالا به شکل تصادفی یا عمدی به جامعه انسانی منتقل شده است. همچنین نوع مواجهه با این بحران هم ابعاد انسانی و فرهنگی دارد. به عبارت دقیق‌تر مواجهه می‌تواند در تضعیف یا تشدید این بحران مؤثر باشد.

درست است که در مواقع بحران مردم باید به کمک آمده و یکدیگر را یاری کنند که همان همبستگی اجتماعی است، اما آنچه از یک جامعه انتظار می‌رود، این است که نهادهایی به عنوان متولی، مرکزیت را به عهده گرفته و یاری‌گری‌ها از حالت انجمنی به نهادی تبدیل شوند. مثلاً در حال حاضر، نهاد بهداشت و درمان متولی مقابله با ویروس کرونا است که انتظار می‌رود نظم و یکپارچگی را ایجاد کند و در عین حال از مردم نیز کمک بگیرد. در جهانی که ما زندگی می‌کنیم، این انتظار وجود دارد که مقابله با بحران مبتنی بر همبستگی نهادی باشد و نهادها محور و مدار مواجهه به نمایندگی از مردم باشند.

**مواجهه جامعه با ویروس کرونا را از زمان شیوع بیماری در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

همان‌طور که کمابیش همه می‌دانیم در همین روزها و در سراسر جهان اولین واکنش به این بحران خودیاری بوده است. مردم در مناطقی که احتمال قرنطینه شدن می‌دادند تلاش کردند که فرار کنند یا به فروشگا‌ه‌ها هجوم آوردند. این واکنش قابل فهم و طبیعی‌ است. نگرانی از ‌جایی شروع می‌شود که نهادهای متولی نتوانند این بی‌نظمی مبتنی بر نفع فردی را در سایه آینده‌نگری، نظم و پیش‌بینی‌پذیری مهار کنند. غبار و ابهام ناشی از آغاز یک بحران باید به سرعت فرونشانده شود؛ این کار نهادها است. در سایه این سه مشخصه می‌توان از پتانسیل‌های اجتماعی و مردمی هم استفاده کرد. اگر مردم احساس کنند که کسی نیست که به داد آنها برسد و نه تنها باید کلاهشان را سفت بگیرند تا باد نبرد، بلکه می‌توانند کلاه دیگری را هم بردارند و از این آب گل آلود ماهی بگیرند، آن وقت کنترل بحران میسر نمی‌شود.

نقش آموزش وپرورش ومعلمان وخانواده ها درچگونگی کیفیت آموزشی دربحران کرونا

درحالی که سایه شوم کرونا مدارس را به تعطیلی کشانده اما نوای عشق و ایثار معلمان درکشور برای استمرار تعلیم و تربیت فرزندان این دیار از دورترین و محرومترین نقاط این خطه پهناور به گوش می‌رسد.

پویایی و شکوفایی هر سرزمینی در گرو رشد و تعالی نیروی انسانی آن است و این مهم در آموزش و پرورش به عنوان پایه و اساس علم و دانش و شخصیت سازی محقق می شود.

معلمان به عنوان اصلی‌ترین عنصر در نظام تعلیم و تربیت انسان‌های دلسوزی هستند که حتی در بحرانی ترین شرایط آموزش به آینده سازان کشور را رها نکرده و از هر طریق به انجام رسالت خویش می پردازند.

گرچه مهمان ناخوانده و منحوس کرونا باعث شد مدارس درهایشان را به روی دانش آموزان ببندند اما حکایت عشق و ایثار و جلوه های زیبای تعلیم و تربیت همچنان بی وقفه درکشور استمرار دارد به طوری که آموزگاران این دیار با بهره گیری از بستر اینترنت و یا حضور فیزیکی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در نقاط دور دست آموزش به آینده سازان را تداوم بخشیده و هر لحظه‌ای در اندیشه انتقال دانش و علم خود به دانش آموزان‌شان هستند.

از زمان تعطیلی فیزیکی مدارس بدلیل شیوع کرونا با پیمودن مسافت طولانی و تحمل گرمای طاقت فرسا با موتورسیکلت روستا به روستا می روم تا علاوه بر توزیع بسته های آموزشی در دیدار حضوری با دانش آموزان دروس را با آنان مرور کرده و تکالیف شان را بررسی کنم.با مسوولیت‌پذیری مثال زدنی رنج مسیرهای صعب العبور و طولانی را به جان می خرد و این روزها گامهایش را مشتاق تر از همیشه بر می دارد تا دانش آموزانی که به اینترنت و ابزار هوشمند دسترسی ندارند از تحصیل باز نمانند.

با توزیع جزوات آموزشی و درسنامه های تهیه شده توسط گروههای آموزشی اداره آموزش و پرورش شهرستان و اداره کل و ارائه توصیه های لازم آموزشی، تربیتی و بهداشتی مانع از قطع فرآیند آموزش شده است. باشیوع ویروس منحوس کرونا و تعطیلی مدارس آموزش خانه به خانه و ارائه بسته های آموزشی بوسیله خودم و آموزگاران زیرپوشش از ابتدای تعطیلات در دستور کار قرار گرفته است.  
در مناطق روستایی دانش آموزان از هوش و استعداد بالایی برخوردارند اما از داشتن امکانات هوشمند محروم هستند و تنها وسیله موجود در بین خانواده ها تلویزیون است در حالی که برنامه های آموزشی در رسانه ملی فقط از طریق شبکه های آموزش و چهار پخش می شود و در این مناطق تنها سه شبکه تلویزیون قابل رویت است.دستگاه تعلیم و تربیت استان با توجه به اقتضاء شرایط و نیازهای احصاء شده با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و روش‌های گوناگون برای دسترسی به اهداف تعریف شده در مسیر کار آموزش مجازی و انتفاع دانش آموزان را در دستور کار دارد.معلمان وهمکاران پرتلاش گروه‌های آموزشی و سرگروه‌های درسی مقاطع مختلف با تشکیل کارگروه‌های ویژه توانسته‌اند برنامه ای تحت عنوان خودآموز با تولید محتوای مکتوب ویژه دانش آموزانی که به اینترنت و فضای مجازی دسترسی ندارند آموزش را در این مناطق نیز استمرار بخشند.

در راستای اطلاع رسانی و آگاهی‌بخشی به آحاد جامعه به ویژه خانواده‌ها و دانش‌آموزان، بهره‌گیری از ظرفیت های موجود در شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری و ظرفیت بسیار خوب رادیو و تلویزیون به منظور تکمیل چرخه آموزش مجازی انجام گرفته و تدابیر مجموعه های مختلف کماکان ادامه خواهد داشت.

 تلاش آموزش وپرورش ومعلمان زحمت کش ودلسوزبرای برطرف کردن خلاء آموزشی با توجه به شرایط موجود و استفاده حداکثری از ظرفیت فضای مجازی و سایت مدارس در ارائه تدریس و تمرین های جبرانی و مشارکت و همکاری والدین با مدارس در امور آموزشی و توانبخشی موردتاکید قرارگیردو در این راستا همه روزه گزارشات مدیران مدارس ارزیابی، بررسی و نقاط قوت و ضعف فرایند آموزش مجازی توسط کارشناسان مربوطه به آنها بازخورد داده می شود.در سایه همدلی وهمراهی دانش آموزان و اولیای آنان در مدارس شاهد جلوگیری از افت آموزشی، مطالب درسی به تفکیک پایه تحصیلی توسط معلمان مربوطه از طریق پیام رسان های مختلف برای دانش آموزان ارسال می شود و امکان پرسش وپاسخ با دبیر وآموزگار وجود دارد.

تربیت نسل معتقد به آرمان‌های انقلاب اسلامی، رسالتی است که امروز بر عهده معلمان جامعه است.

این روزها در بحبوحه شیوع ویروس کرونا و شکل‌گیری امواج مواسات و همدلی در دریای بیکران نیکوکاری مردم ایران، جامعه معلمان حقیقتا نقش بی بدیلی ایفا و شاگردان خود را حتی در سخت ترین روزها تنها نگذاشته و امر خطیر تعلیم و تربیت را رها نکرده‌اند که حقیقتا جای تقدیر دارد.

در شرایط کنونی، با توجه به درگیر شدن جامعه با شرایط تعطیلی کرونا، تغییراتی به صورت ناخواسته در شکل حضور و درگیر شدن شاگردان در مدرسه و فعالیت‌های آموزشی ایجاد شده است. این تغییرات از یک سو، و از سوی دیگر حرکت‌های تحولی که از قبل در نظام تعلیم و تربیت در حال پیگیری توسط عناصر و فعالان مختلف در حوزه و بخش‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت بود، تغییرات پایداری را در نظام تعلیم و تربیت رقم می‌زند. تغییراتی که به عنوان یک دوره گذار محسوب می‌شود. در این دوره گذار، ابعاد محدودی از معماری نظام مطلوب محقق می‌شود. شکل زیر، ترسیمی از مدل عمومی معماری گذار نظام تربیت را نشان می‌دهد.

شاگرد و رشد او، و تحقق حیات طیبه، و حرکت به سمت سبک زندگی سالم اسلامی و تمدن اسلامی، موضوع اصلی نظام تربیت است. هر چند تا رسیدن به سطح مطلوب و قابل قبول در این حرکت، فاصله زیادی وجود دارد. پیشرفت جامعه در دستور کار نظام تربیت قرار گرفته است.

خانواده به صورت فعال‌تری درگیر فرایند تربیت شاگرد شده، و نقش مربی را در جایگاه استاد و شاگردی در منزل به صورت موثرتری ایفا می‌کند. نقش پدر و مادر، به عنوان استاد و مرشد، توسط نظام آموزشی به صورت جدی‌تری در نظر گرفته شده، و والدین یاد می‌گیرند که چگونه نقش پدری و مادری خود را با نقش استادی ممزوج کرده، و به صورتی موثر، مربی شکل گیری شخصیت کودکان خود باشند، و بخش مهمی از فرایند تربیت فرزندان خود را خود رهبری کنند.

رویکردهای مدرسه‌ای که به صورت خلاقانه توسط مدارس و متولیان آنها، در چرخه **نوآوری باز**، ارتقاء و تکامل یافته، و یک رشد خودجوش همه جانبه را در در بافتهای مختلف و جنسهای مختلف، از مدارس رقم بزند.

**مربی نقش محوری‌تری** پیدا می‌کند، و در سوق دادن شاگردان در مسیر رشد، رهبری او را با رویکرد **استاد و شاگردی** بر عهده می‌گیرد. بتدریج اهمیت نقش مربی در رهبری شاگرد و درگیر شدن یک به یک با شاگردان، بیشتر روشن شده، در عین اینکه شاگردان هر کدام خودشان مسیر خودشان را می‌روند و تلاش خودشان را می‌کنند؛ مربیان به عنوان مرشد و راهنما، نقش مربی را به صورت واقعی و فعال‌تری ایفا می‌کنند؛ و اهمیت این نقش را بیشتر احساس می‌کنند. فضای ایجاد شده در شرایط درگیر شدن مدارس و مربیان و شاگردان با استفاده از بسترهای الکترونیکی و آموزش از راه دور، به واسطه شرایط تعطیلی کرونایی، منجر به سوق پیدا کردن مربیان و شاگردان به روش‌های آموزش انعطاف پذیرتری نسبت به معمول می‌شود. منابع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاگردان رویکرد یادگیری خودفراگیری را تجربه می‌کنند، از بسته‌های آموزشی استفاده می‌کنند، معلمان مختلف به روشهای مختلف با شاگردان و در آموزش مباحث عمل می‌کنند. همه اینها زمینه‌های یادگیری اکتشافی را بیشتر می‌کند.

شاگردان و مربیان فرصت پیدا می‌کنند از پهنه منابع وسیع آموزشی با رویکردی واگرا، که ذهن شاگرد را خلاقانه به سوی طیف‌های مختلف در حل مسئله و تفکر سوق می‌دهد، بهره ببرند؛ و چند قدمی از محوریت سلطنت کتاب‌های درسی دور شوند؛ و یادگیری متنوع‌تری را تجربه کنند. ارزشیابی شاگردان در چالش بین روش‌های سنتی و رویکردهای تعالی مدار قرار می‌گیرد، و رفت و برگشت‌هایی بین این رویکردها صورت می‌گیرد. تا به‌تدریج جامعه تعلیم و تربیت بتواند تجربه بهتری از **ارزشیابی رشد** دهنده را داشته باشد؛ و از گردونه ارزشیابی ماشینی و سنجش و برچسب زدن به شاگرد، و رقابت‌های واهی، نجات پیدا کنند!

در فضای ایجاد شده، **رسانه‌ها و پهنه فضای اجتماعی سایبری**، برای حمایت از یادگیری و پشتیبانی از رخدادهای تعلیم و تربیت به کمک می‌آیند و مورد اقبال جامعه قرار می‌گیرند. و البته چنین معماری‌ای، زمینه‌های بیشتری برای تحقق رشد شاگردان به سوی **حیات طیبه الهی**، فراهم می‌کند. این ترسیمی کلی و چکیده‌ای اجمالی از معماری دوران گذار نظام تربیت بود.

**به عبارت دیگر تحول در نظام تعلیم و تربیت، یک پدیده چند جانبه است. اما اتفاقی که در عمل در یک گذار تحولی می‌افتد، گاه بروزی شدیدتر در جنبه‌هایی خاص از این تحول، در این مرحله از گذار دارد. امروز تحول نظام تعلیم و تربیت، در کشور ما در برخی از ابعاد و جنبه‌های نسبتا محدود اتفاق می‌افتد، و همین جنبه‌ها است که فعلا قابل فهم و عمل توسط مجریان است. به همین دلیل من در این** کتاب نیز از این زوایا به بحث پرداخته ام. در پیشگفتار و بحث‌های مقدماتی کتاب تاکید کردم که این کتاب تمام ابعاد تعلیم و تربیت و تحول آن را تبیین نمی‌کند؛ اینکار در کتابها و مباحت مختلفی انجام شده و ان شاء‌الله می‌شود. در این کتاب فقط از زوایایی محدود که در شرایط گذار کنونی، شرایط بروز قوی‌تری را دارد، به بحث وارد شده ایم.

اما این **گذار به معنای ماندن نیست**. طیفی از مسائل و مصادیقی که در این کتاب به آن اشاره می‌شود، **مقدمه‌ای برای تحقق میدانی وسیع‌تر در آینده است**. مقصد نظام تعلیم و تربیتی است که شاگردان در آن درگیر تجربه زندگی واقعی در مدرسه و بیرون آن می‌شوند، و یادگیری در فضایی مبسوط، کاربردی و عینی، اتفاق می‌افتد. یادگیری که از ابتدای تولد در خانواده، تا تمام طول زندگی و کار، دنبال می‌شود، و یک آموزش مستمر مادام العمر را رقم می‌زند؛ که البته دوران تحصیل مدرسه و دانشگاه، بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد. یادگیری مدرسه و دانشگاه، به نوعی با یادگیری بیرون مدرسه و دانشگاه در محیط خانواده، جامعه، رسانه و کار، ممزوج خواهد بود. یادگیری که ابعاد مختلف شخصیت، فرهنگ، مهارت‌ها و دانش شاگردان را ارتقاء می‌دهد، و یک تعالی همه جانبه را دنبال می‌کند.

کسانی که امروز در تعلیم و تربیت شاگردان تلاش می‌کنند، چه کسانی که در محیط عینی با شاگردان درگیری عملی دارند، و چه کسانی که بسترهای تعلیم و تربیت را تمهید می‌کنند، در صورتی که بتوانند تا هر سطح ممکن، این ابعاد مدرسه عمل، مدرسه زندگی، مدرسه اکتشاف، مدرسه تعالی و ابعاد دیگری که به آنها اشاره شد و در متون دیگر به آنها پرداخته شده، محقق کنند، و زمینه ایجاد آن فراهم شده باشد، به این امر مهم مبادرت می‌کنند. اما تا زمان فراهم شدن شرایط تحقق همه جانبه این تعلیم و تربیت برتر در تمام حوزه‌های جامعه و تمام مدارس و دانشگاه‌ها، از فرصت‌هایی که در شرایطی نظیر بحران کنونی ایجاد می‌شود، برای یک گام جلو رفتن در تحول تعلیم و تربیت، استفاده می‌کنیم.

دین وجنبه های فرهنگی واجتماعی حکومت دربحران کرونا

در نسبت سنجی میان حکومت دینی و هدایت گری فرهنگی، سه پرسش مهم مطرح می شود.

الف. اصل لزوم هدایت گری فرهنگی، یعنی آیا اساسا حکومت دینی باید در حوزه فرهنگ مداخله کند؟

ب: حدود هدایت گری فرهنگی، یعنی اگر دولت اسلامی موظف به دخالت در قلم و فرهنگ است، این دخالت تا چه میزان است؟

ج. چگونگی هدایت گری فرهنگی، یعنی حکومت دینی باید از چه روش ها و ابزارهایی در این جهت استفاده کند؟

درباره مساله اول باید به این مطلب اساسی توجه نمود که تفاوت حکومت دینی و حکومت غیردینی در چیست؟ روشن است که رسالت های مادی و معیشتی هر دو نوع حکومت، چندان متفاوت نیست، بلکه رسالت های معنوی و فرهنگی آن ها موجب تمایزشان از یکدیگر می شود. به عبارت دیگر، هر نوع حکومتی - چه دینی و چه غیردینی - در قبال رفاه و سازندگی مادی و تامین نیازهای اقتصادی مردم، احساس مسئولیت می کند، اما در عرصه فرهنگ، حکومت غیردینی موضع بی طرفانه دارد و حکومت دینی، فلسفه وجود خویش را اقامه احکام و ارزش های دینی می انگارد. توضیح این که اساسا دین از آنجا با حکومت و سیاست ارتباط می یابد که لازمه ایجاد جامعه دینی و استقرار ارزش ها و تعالیم اسلامی، وجود حکومتی ست که در این زمینه گام بردارد، در غیر این صورت، تلاش های فردی یا گروهی مردم که سازمان نیافته و پراکنده و فاقد توان و ضمانت لازم اند، راه به جایی نخواهد برد و مقاصد دینی را به طور کافی برآورده و محقق نخواهد ساخت. بدین ترتیب، حکومت دینی شکل می گیرد تا با تکیه بر توان و گستردگی اختیارات خود، فرهنگ اسلامی را با وسعت و قدرت فراگیرتری ترویج وحاکم نماید. در قرآن کریم، رسالت اصلی انبیا و الهی، تزکیه و تعلیم مردم دانسته شده است. افزون بر این، در روایات مختلف اسلامی(برای مثال در نامه حضرت علی (ع) به جناب مالک اشت، تربیت کردن دینی مردم و گستراندن باورها و ارزش های اسلامی، جزء اولی ترین و اصلی ترین مسئولیت های حکومت های دینی دانسته شده است).

درباره میزان دخالت حکومت دینی در فرهنگ عمومی، سه نظریه و نگاه وجود دارد:

بررسی نگاهای اجمالی درباره میزان دخالت حکومت دینی در فرهنگ عمومی

اول. نگاه فاشیستی که با رویکردی تمامیت خودخواهانه ، مرزی میان حریم خصوصی و حریم عمومی نمی شناسد و از روش های پلیسی و امنیتی در جهت برقراری فرهنگ مورد نظر خود استفاده می کند.

دوم. نگاه لیبرالیستی که همچون ایده اش در حوزه اقتصاد، فرهنگ را نیز نوعی بازار آزاد تلقی می کند و تفاوتی میان حق و باطل و ارزش و ضدارزش قائل نیست و در قبال حقیقت و فضلیت و اخلاق، بی طرف و بی اعتناست. در این رویکرد، عرضه و تقاضا و ذائقه عمومی است که فضا و جهت گیری بازار فرهنگ را تعیین می کند؛ یعنی دولت در پی هدایت گری فرهنگی نیست.

سوم. نگاه اسلامی که در آن، حکومت دینی بی آن که وارد حریم خصوصی افراد بشود، حریم عمومی را بر مبنای آموزه های اسلامی، مهندسی می کند و با استفاده از قابلیت های مادی و ساختاری خود، از حق حمایت و باطل را محدود و محو می سازد. در این نگاه، خلاقیت های فردی سرکوب نمی شود و مخالف، مجال اظهارنظر می یابد، اما فضا به گونه ای شکل نمی گیرد که افراد جامعه در تشخیص حقیقت از ضلالت، دچار سردرگمی بشوند و هر نوع کالای فرهنگی و فرآورده فکری و ارزشی، در جامعه عرضه شود. در اینجا، مسئله سوم نیز رخ می نماید که به روش ها و ابزارهای فرهنگی حکومت اسلامی اشاره دارد. پرواضح است که این نوع حکومت که برای فرهنگ، اصالت و اولویت قائل است،.

البته پس از این مراحل، چنانچه افرادی بخواهند در جامعه، مفسده انگیزی کنند و انسان ها را اغوای فکری نمایند؛ حکومت دینی نباید به استفاده از سازوکارهای فرهنگی بسنده کند، بلکه باید با قوه قهریه خویش به میدان بیاید، چرا که اضلال و اشاعه تباهی های اخلاقی و مفاسد فرهنگی، یک نوع جرم و بلکه بزرگ ترین جرم ها و معاصی در فرهنگ و تفکر اسلامی است و سخت ترین و شدیدترین عقاب ها و مجازات ها را به دنبال دارد.

سیر حرکت یک جامعه یا انسان، به فرهنگ حاکم بر آن وابسته است. تعالی یا انحطاط فرد یا جامعه، معلول مستقیم فرهنگ فردی یا جمعی است. از این رو، فرهنگ مقوله ای بسیار مهم و تعیین کننده برای زندگی انسان است. فرهنگ تنها در قلمرو ابعاد فرهنگی زندگی انسان محدود نمی ماند، بلکه سایر ابعاد و جوانب را نیز درمی نوردد. برای مثال، کنش های سیاسی و کنش های اقتصادی نیز تابعی از مؤلفه های موجود در فرهنگ هستند. بنابراین، صلاح و فساد یک جامعه ناشی از فرهنگ آن جامعه است. مصلحان حقیقی اگر در پی اصلاح یک جامعه هستند، باید از کار بر روی فرهنگ جامعه آغاز کنند. در سوی مقابل، غفلت از فرهنگ برابر با زوال و اضمحلال اخلاقی و معنوی جامعه خواهد بود.

نقش کروناو وتاثیرآن درجامعه مدنی ازدست دادن عزیزان  
مورد دیگری که در این روزهایی که با این ویروس دست و پنجه نرم می کنیم  بسیار نگران کننده به نظر می رسد مساله بحران سوگواری است، چراکه  شیوع این بیماری این فرصت را از افراد  گرفته است ک برای عزیزان از دست رفته شان مراسمی را به شکل سنتی و شرعی و به شکل رسوم ایرانی و اسلامی طبق روال گذشته  برگزار کنند که همین امر مسبب آسیب های  روحی و روانی  بسیاری شده است .

پذیرش و مرگ عزیزان بسیار دردناک و سخت می باشد و برگزاری مراسم در ایجاد  همدلی و همراهی و پذیرفتن از دست دادن عزیز  برای  بازماندگان  بسیار تاثیر گذار است  اما متاسفانه بازماندگانی که این فرصت همدلی را از دست می دهند و  احساس پوچی و ملال، بیقراری،  اختلال در توجه و حافظه، از دست دادن میل به زندگی، اشتغال ذهنی شدید نسبت به متوفی ،احساس تنهایی و بی­ علاقه گی نسبت به آینده و سوگ ناتمام  راتجربه می کنند ک متاسفانه  عواقبی مثل افسردگی را بدنبال خواهد داشت.

راه کارهای بهداشتی وتوانمندسازی درمواجهه باکرونا

ویروس‌های کرونا گروه بزرگی از ویروس‌ها هستند که می‌توانند حیوانات و انسان‌ها را آلوده کنند و باعث بروز ناراحتی‌های تنفسی شوند؛ این ناراحتی‌ها ممکن است به اندازه سرماخوردگی خفیف یا به اندازه ذات الریه شدید باشند.

ضدعفونی وگندزدایی فضای داخلی و بیرونی مراکز تحت نظارت حوزه پیشگیری به صورت پذیرد به طوریکه طراحی فرم های نظارتی و بیماریابی از مراکز اقامتی و اخذ اطلاعات به صورت روزانه از وضعیت سلامت افراد مقیم و خدمت گیرنده در مراکز عمومی صورت می گیرد. شستشوی مکرر دست، مصرف مایعات، سرفه کردن در قسمت داخلی آرنج یا دستمال کاغذی و ماندن در خانه در صورت احساس بیماری. به‌علاوه، توصیه می‌کنیم که حتی اگر بیمار نیستید در خانه بمانید، مگر اینکه واقعاً لازم باشد بیرون بروید، و فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنید (حداقل شش فوت یا حدود دو متر از دیگران فاصله بگیرید) و ماسکی بپوشید که دهان و بینی شما را بپوشاند.

بحران کرونا به شیوه های متفاوتی از جمله جسمانی، هیجانی، اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی تاثیر گذار است و همه  دیر یا زود با خطرات واقعی این بیماری جدی و گسترده و ناتوانی های سیستم های بهداشتی در مقابله با آن، ضررهای اجتماعی، بحران اقتصادی فراگیر و مشکالت اقتصادی فردی، مشکلات در جنبه های مختلف زندگی و بسیاری موارد دیگر روبهرو خواهیم شد.  
وقتی با یک بحران به هر شکلی روبه رو می شویم، اضطراب و ترس را به ناچار تجربه خواهیم کرد. این هیجانات پاسخ هایی بهنجار و طبیعی به موقعیت  های چالش برانگیزِ خطرناک و مبهم هستند.

**همبستگی یا شکاف مناسبات میان حکومت و جامعه دربحران کردنا به چه سمتی پیش خواهد رفت؟**  
تأثیر شیوع کرونا بر مناسبات حکومت و جامعه بستگی تام به چگونگی مدیریت این بحران و چگونگی اقناع افکار عمومی جامعه دارد. به عبارتی چگونگی عبور از وضعیت موجود می‌تواند موجب تقویت اعتماد عمومی و مشروعیت سیاسی حکومت شود یا برعکس. همان‌طور که در پاسخ به پرسش نخست گفته شد، اوایل به دلیل اینکه مدیریت متأخر و متناقضی در مواجهه با بحران مشاهده می‌شد، جامعه احساس می‌کرد که جدیت لازم در این خصوص وجود ندارد و برخی از مردم در مواقعی خواهان قرنطینه سراسری بودند. جالب این است که در میان مردم کسانی هم کرونا را باور نداشتند و آن را ساخته و پرداخته عده‌ای تصور می‌کردند که البته تعدادشان بسیار کمتر بود و تأثیر اجتماعی و سیاسی خاصی نداشتند؛ اما با گذشت زمان و شکل‌گیری مدیریت یکپارچه در مواجهه با کرونا این پیام به افکار عمومی داده شد که موضوع از منظر حکومت اهمیت زیادی دارد و اقدامات لازم در حال انجام است. این نکته زمانی پررنگ‌تر شد که مردم متوجه شدند که در سایر کشور‌ها به‌ویژه ایالات متحده و اروپا کرونا به‌شدت در حال گسترش است و حتی این کشور‌ها نتوانسته‌اند گسترش آن را کنترل کنند و با چالشی جدی مواجه شده‌اند.  
در ادامه هنگامی‌که میان عملکرد ایران با کشور‌های مزبور مقایسه صورت گرفت، پیام دیگری منتقل شد مبنی بر اینکه عملکرد ایران مثبت بوده است و بحران‌های حاشیه‌ای همچون کمبود مواد غذایی و هجوم به فروشگاه‌ها در ایران اصلاً وجود ندارد و کالا‌های اساسی به میزان کافی وجود دارد. بر این اساس رویکرد مربوط به مدیریت بحران به‌سرعت متحول و رضایت افکار عمومی احیا شد.   
درباره اقناع افکار عمومی باید گفت که نقش رسانه‌ها اهمیت زیادی دارد؛ چراکه تعدد رسانه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ابزاری باشد که دستاورد‌های مربوطه را به زیر سؤال ببرد و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی را تقویت کند و لازم است در کنار مدیریت بحران کرونا، مدیریت افکار عمومی و تقویت اعتماد اجتماعی از طریق انتشار اخبار به‌موقع و غیر متناقض و بدون اغراق صورت گیرد. شفافیت و پذیرش آن در میان مردم مهم‌ترین نکته کلیدی در این وضعیت است.  
یکی از نمونه‌های موفق در این موضوع، عملکرد سخنگوی مدیریت بحران کرونا است که روزانه اخبار مربوط را در اختیار افکار عمومی می‌گذارد. به همان میزان که شفافیت در این خصوص صورت گیرد و مردم از مسائل آگاه باشند، همبستگی حکومت و جامعه نیز تقویت خواهد شد. همچنین هرچه مقامات سیاسی فاصله خود را با اقشار مختلف مردم نزدیک‌تر کنند، میزان همراهی مردم با سیاست‌های حکومت افزایش خواهد یافت. در مقابل یکی از نمونه‌هایی که پیام آشفته‌ساز به افکار عمومی منتقل کرد، طرح مسئله اعطای تسهیلات یک‌میلیون تومانی همراه با بهره بانکی بود که عنوان بهره بانکی در شرایط موجود باعث تنش روانی در جامعه می‌شد. البته با دریافت موج این تنش، در تصمیم مربوطه تجدیدنظر صورت گرفت. در مدیریت سیاسی حساس گاهی اوقات ممکن است پیامی کوچک، تأثیر بزرگی داشته باشد.  
**در زمینه پیامد‌های احتمالی تا چه حد می‌توان انتظار داشت آثار بحران کرونا به اعتراضات اجتماعی و بروز ناامنی منجر شود؟ نظام سیاسی چه دستور کاری باید اتخاذ کند؟**  
مورد نخست مربوط به مسائل اقتصادی و مهم‌ترین آن‌ها است. در چند سال اخیر بیشتر نارضایتی‌های اجتماعی حول محور مسائل معیشتی و اقتصادی بوده است و این نگرانی وجود دارد که بحران کرونا تأثیر مستقیمی بر تولید و وضعیت معیشتی جامعه گذاشته باشد. این مسئله بیشتر در مشاغلی مشاهده می‌شود که ارتباط مستقیمی با مسئله کرونا دارند و منجر به تعطیلی یا نیمه تعطیلی آن‌ها شده است. باید یادآور شد که میزان صادرات نفت ایران کاهش یافته و دولت با کسری بودجه مواجه است. همچنان که گفته شد احتمال نارضایتی اجتماعی بیشتر مربوط به طبقات پایین جامعه و حاشیه‌نشین‌ها است و تشدید مسائل معیشتی ممکن است بار اضافه به آن‌ها تحمیل و زمینه شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی را فراهم کند؛ اما نمی‌توان بحران کرونا را به‌خودی‌خود متغیر اصلی این مسئله دانست، بلکه می‌تواند به‌عنوان متغیر تشدیدکننده عمل کند.   
گفتنی است دولت برای کاهش آثار اقتصادی کرونا بر تولید و معیشت مردم اقداماتی را انجام داده است و برنامه‌هایی مانند حمایت از بنگاه‌های اقتصادی یا پرداخت بسته‌های حمایتی به سرپرستان خانوار‌ها هم دارد؛ اما به دلیل اینکه آمار جامعی در این موارد وجود ندارد، ممکن است این سیاست‌ها دقیق عمل نکنند و لازم است یک‌بار برای همیشه طرح جامعی برای رسیدن به اطلاعات و آمار مشاغل و سرپرستان خانوار و ... انجام شود تا در مواقع ضرورت بتوان بر مبنای آن عمل کرد؛ بنابراین بحران کرونا به‌خودی‌خود به اعتراضات اجتماعی منجر نمی‌شود؛ ولی آثار و نتایج آن ممکن است بار اضافه به جامعه تحمیل کند و برای پیشگیری از این مسئله لازم است آثار و نتایج آن به‌ویژه در بخش معیشتی مدیریت شود. جلوگیری از افزایش آمار بیکاری، حمایت از مشاغل فصلی، مدیریت توزیع کالا‌های اساسی و کنترل قیمت‌های آن‌ها و مدیریت و هدایت نقدینگی شناور مواردی است که باید به آن‌ها توجه گردد. اگرچه در کوتاه‌مدت سیاست‌های حمایتی مثل کمک‌های معیشتی می‌تواند به کاهش مشکلات منجر شود، اما در بلندمدت لازم است که سیاست‌های رونق تولید و افزایش صادرات غیرنفتی به‌ویژه حوزه پترو- پالایشی و معادن مورد توجه قرار گیرد.  
**آیا آرایش گفتمان‌ها و جریان‌های سیاسی در ایران پساکرونا دستخوش تغییر خواهد شد؟**  
آثار بحران کرونا جریان‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ اما در مورد اینکه به تولید گفتمان جدید منجر شود یا خیر، تردید‌هایی وجود دارد. همچنان که برخی از نظریه‌پردازان معتقدند، این بحران موجب تقویت دولت‌های رفاه در جهان خواهد شد؛ در ایران نیز ممکن است موجب تقویت جریان‌های سیاسی معیشت‌محور و دولت‌های حمایتگرا شود. انتخابات اسفند به دلیل برگزار شدن در بستر مسائل اقتصادی و معیشتی به تقویت اقتصادخوان‌ها و عمرانی‌ها و معیشت محور‌ها در مجلس منجر شد و به همین دلیل بحران کرونا موجب تقویت بیشتر این جریان‌ها در مناسبات سیاسی موجود می‌شود.  
این بحران، در عرصه سیاست خارجی ممکن است موجب تقویت ناسیونالیسم و جریان‌هایی شود که دیپلماسی دولت فعلی را نقد می‌کنند؛ زیرا به باور آن‌ها دیپلماسی دوران کرونا چندان موفق عمل نکرد و نتوانست در راستای مدیدیت بحران کرونا کمک کند. با روی کار آمدن مجلس جدید گرایش به سمت سیاست‌های اقتصادی معیشت‌محور برای حمایت افکار عمومی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر سیاست‌های عمرانی تقویت می‌شود و مدیریت نتایج بحران کرونا مورد هدف قرا می‌گیرد. همچنین به‌صورت بلندمدت ممکن است گروه اقتصادی مجلس جدید، برای تقویت اقتصاد ملی، سیاست‌های توسعه پترو- پالایشی را در دستور کار قرار دهند. البته اتخاذ چنین سیاست‌هایی بدون چالش با دولت نخواهد بود.   
در این میان چگونگی مدیریت کرونا در نزد افکار عمومی نیز مورد توجه است؛ زیرا در نهایت مردم هستند که ارزیابی نهایی را انجام می‌دهند. در مدیریت بحران، گروه‌ها و اقشار مختلفی از کادر پزشکی و نیرو‌های نظامی تا نیرو‌های مردمی و داوطلب دخیل بوده‌اند که قضاوت در مورد حضور و شیوه عملکرد این نیرو‌ها ممکن است موجب تقویت برخی و تضعیف عده‌ای دیگر شود. چگونگی مدیریت بحران کرونا یکی از مسائل کلیدی خواهد بود و احتمالاً جریان‌های سیاسی مختلف در انتخابات ریاست جمهوری آینده، له یا علیه یکدیگر استفاده خواهند کرد. به نظر می‌رسد فرایند کلی به سمت تقویت جریان‌های سیاسی اقتصادمحور معیشت‌گرا و مردم‌گرا در حرکت است؛ اما میزان توفیق کوتاه‌مدت این جریان‌ها در پاسخ‌گویی به بخشی از مطالبات مردمی می‌تواند تداوم حرکت بلندمدت آن‌ها را در سپهر سیاست ایران تعیین کند.

منابع مآخذ

1- فرهنگ وکتاب ادبیات خبرگزاری جمهوری اسلامی انتشارآبان 99

2- مولف ناصرفکوهی سال چاپ 99ناشرپل فیروزه

3- پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم فروردین 99

4- روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی کارگروه مقابله باکووید19

5- شورای فرهنگی اجتماعی سیاستهای مبارزه با کرونا 99